بسم الله الرحمن الرحیم

**خلاصه و نقد مقاله مبانی نظریه دولت در قرآن کریم نوشته علی اصغر هادوی نیا در ففصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شماره 26 تابستان 1386**

**علی محمدی**

این مقاله با مروری بر مبانی نظری قران کریم به ویژه مبانی انسان شناسی آن به بررسی نظریه دولت در اقتصاد اسلامی می پردازد و محوری ترین عنصر در گفتمان بازار و دولت را در این باره عدالت اجتماعی است.

**نظریه دولت:**

صراحت قرآن و روایت های رسول خدا (ص) به حدی است که جز خوارج هیچ مذهب و مکتبی از مذاهب اسلامی در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تردیدی ندارد

**اقسام دولت:**

از مجموع نظرات مطرح شده درباره دولت می توان اقسام ذیر را برای دولت بیان کرد:

دولت مرکانتیلیستی: تشویق صادرات کالا و واردات مواد اولیه و تحدید واردات کالای نهایی

دولت فیزیوکراسی: حامی آزادی کسب و کار و رقابت و مانع نا امنی داخلی و خارجی

دولت کلاسیکی: موظف در پدید آوردن امنی داخلی و دفاع خارجی و برقراری عدالت و پدید آوردن امنیت داخلی و پدید آوردن تاسیسات عمومی

دولت در دیدگاه مکتب تاریخی: مجری سیاست های حمایتی جهت افزایش تولیدی های بخش خصوصی

دولت حدقلی نوزیک و هایک: آنان پی جویی عدالت اجتماعی را به وسیله دولت مضر می دانند و دولت را شری می دانند که باید آن را در سطح حداقل حمایت از بازار رقابت و اجرای قرار دادها تحمل کرد.

دولت نوکلاسیکی: مورد های شکست بازار و عدم تحقق رقابت کامل، مجوز دخالت دولت است. به همین دلیل دیدگاه نئو کلاسیک از تنوع خاصی برخوردار است

دولت سوسیالیستی: مدیریت دولتی اقتصاد، برنامه ریزی گسترده یا حذف مالکیت خصوصی.

دولت کینزی: برطرف کننده کمبودهای نظام سرمایه داری در زمینه های هدف های کلی اقتصاد مثل اشتغال کامل و کاهش دوران رکود

دولت رفاه: پدیدآوردن حداقل زندگی برای مردم به وسیله دولت در سایه نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و موافق با دولت کینزی، ایجاد پنج نوع برابری: برابری استفاده از هزینه های عمومی، برابری درآمد نهایی، برابری استفاده از خدمات اجتماعی، برابری هزینه برداری خدمات اجتماعی و برابری نتیجه.

دولت در نظریه انتخاب عمومی یا مکتب اقتصادی سیاست: دولت موکل کارمندان خود بوده که هدفشان حداکثر سازی مطلوبیت خودشان است. دولت حداکثر کننده رفاه اجتماعی نیست ، بلکه گاه برای به حداکثر سازی منافع خود از منافع برخی گروه های حمایت می کند.

دولت در نظریه هزینه مبادله: دخالت دولت برای کاهش دادن هزینه معامله ها بوده و علت اساسی شکست بازار را هزینه تحمیل شده بر اقتصاد می داند.

نظریه اطلاعات: عامل اصلی شکست بازار را فقدان اطلاعات کامل می داند، اطلاعات غیره متقارن امکان فریب کاری را بالا برده و مبادله را با انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی روبرو می سازد. دولت به علت برخورداری از اطلاعات غیره قابل دسترسی به وسیله بخش خصوصی در اقتصاد دخالت می کند.

به اعتقاد نویسنده منطقی ترین راه برای نظریه پردازی درباره دولت ، به نظر می رسد تامل در هدف های زندگی اجتماعی و تغییر آنهاست. بنابراین نظریه پردازان دولت نیازمند درک ماهیت زندگی اجتماعی و عنصر اساسی تشکیل دهنده آن یعنی انسان است. به همین علت اگر اندیشمندی بتواند میان طبع بشر و دولت، رابطه دوستی برقرار کند مهمترین کوشش را از دیدگاه نظریه پردازی سیاسی انجام داده است. با این استدلال نویسنده به سراغ مبانی خداشناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی رفته و با تکیه بر آنها به دنبال تعیین هدف های زندگی اجتماعی و تغییر آن هاست تا از این گذر نظریه دولت را در اقتصاد اسلامی سامان دهد.

**نگرش قرآن کریم:**

بررسی برخی مبانی نظریه دولت از منظر قرآن

**مبانی انسان شناسی:**

مبانی انسان شناسی اسلامی فطرت را مهمترین ویژگی مشترک می داند که نقش اختیار در آن نمایان است و این ناظر بر شرایطی است که خیر و شر در آن باشد. این استعداد کمال خواهی و لذت گرایی را به همراه دارد، این امر فطری یک مجموعه ای مبانی انسان شناسی دارد که عبارتند از:

**الف- نمونه هایی از امور فطری:**

**1- مطلق گرایی:**

مطلق گرایی بازتابی از گرایش به کمال است که با توجه به توسعه گستره آگاهی انسان در دائره امور کلی پدیده آمده است.این امر از امور مشترک میان انسان هاست. اما این مصداق است که برای مطلق گرایی در نظر گرفته می شود . در الگوی انسان اقتصادی غرب، امور مادی یگانه مصداق تعیین شده است در حالیکه امور غیره مادی نیز سابقه طولانی دارد. با پذیرفتن مطلق گرایی به صورت یکی از امور فطری ، می توان پیش بینی کرد که بیشینه سازی نیز یکی از ویژگی های الگوی فرضی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام است

**2- لذت پذیری و رنج گریزی:**

اثر پذیری نفس از گرایش به مطلق در احساس درد و لذت خلاصه می شود. این گرایش اگر تحقق خارجی پیدا کند لذت درونی در خود می یابد اما اگر گرایش به هدف اصابت نکند ، احساس درد و رنج آدمی را فرا می گیرد.

اقسام لذت : فرایند اثرگذاری این مبنا در اسلام مبتنی بر این توضیح است که انسان دو ساحت متمایز یعنی روح و بدن دارد و درک لذت ها بدست ساحت غیره مادیش یعنی روح صورت می گیرد، سه نوع لذت برای روح متصور است:

1- لذت های مادی: لذت هایی هستند که با توجه به پیوند روح و بدن و با بکارگیری یکی از استعدادهای مادی بدن قابل دسترس هستند.

2- لذت های غیره مادی دنیایی: علم دوستی، عرت طلبی، جاه طلبی و غیره از لذت هایی هستند که بعد مادی انسان در ان چندان دخالت اساسی ندارد و با توجه به پیوند روح و بدن تصور می شوند.

3- لذت های غیر مادی غیر دنیایی: لذت هایی هستن که با توجه به تصور برخورداری از بقای روح پس از مرگ و بعد های ناشی از آن، هر انسانی می تواند ان را در خود احساس کند. با توجه به امکان تصور بقای روح برای همه انسان ها این امر برای همه ممکن است.

آموزه های دینی اسلام درباره انسان اقتصادی مسلمان نه نفی گرایش فطری انسان به لذت و نه نفی لذت های دنیایی است، بلکه در صدد تایید گرایش فطری انسان به لذت و گسترش ادراک وی به قسم سوم لذت هاست.

**ب) اصل تفاوت های متفاضل و نیازهای متقابل:**

این اصل شامل عنصر اصلی تفاوت های تکوینی اولیه، قابلیت فزایندگی و نیازهای مقابل است. آیه 165 سوره انعام « و او کسی است که شما را جانشینان خود در زمین ساخت و درجه های بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داده تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید» وجود تفاوت در استعداد و آنچه لازمه این تفاوت است برای حفظ نظام جامعه و برای پرورش استعدادهای گوناگون نهایت لزوم را دارد. عنصر دوم نظریه تفاوت های متفاضل و نیازهای متقابل زمانی شکل می گیرد که به این نکته توجه شود که تفاوت ها تکوینی اولیه اگرچه از بین رفتنی نیستند اما قابلیت فزایندگی را دارند مانند ایه32 سوره نساء که لا تتمنوا به معنای این است که انسان بگوید که ای کاش فلان جریان فلان جور پیش می امد و نهی می کند از آرزوی داشتن برتری هایی که در میان مردم ثابت است. اما درباره عنصر سوم این اصل باید گفت که با توجه به ویژگی مطلق گرایی انسان، وی همیشه درباره افزایش فضیلت های خود احساس نیاز می کند اما هر فرد براورده شدن این نیاز را در دستاوردهای حاصل از فضیلت های تکوینی دیگران می یابدکه کسب آن دریک معامله عادلانه امکان پذیر است و شرکت وی در جامعه زمینه را برای تحقق چنین معامله ای فراهم می کند. از انجا که این جهان محدود بوده و امکانات آن مطابق عنصر تفاوت های تکوینی اولیه به طور عادلانه در بین تمام افراد توزیع شده استفاده هریک از افراد به صورت متقابل به یکدیگر نیازمند است.

**نظریه دولت در پرتو مبانی نظری قرآن کریم:**

با توجه به آیات قرآن انسان با داشتن اموری فطری در زمینه دانش ها و گرایش ها موجودی مختار است. مهمترین گرایش های فطری انسان لذت گرایی، کمال گرایی یا مطلق گرایی هستند که در تنظیم رفتارهای اقتصادی وی موثر است، افزون بر این انسان سه بعد مادی معنوی و اخروی دارد که هریک از این ابعاد می توان بر رفتارهای وی از جمله اقتصادی تاثیر بگذارد. با این لوازم ضروری است که انسان برای خود حد مطلوبی را معین کند تا رفتارهای خود را به ان سو جهت دهد و حد مطلوب آنگونه که مطرح شد اعتدال است. برای رسیدن به این مطلوب توجه به عنصرهایی چون مسئولیت انسانی، خلافت الهی و تربیت عقلانی اهمیت دارد. و چنین انسانی برای دست یابی به مطلوب های خود شرکت در جامعه را به صورت بهترین راه خود می بیند، زیرا با تکیه بر نظریه تفاوت های متفاضل و نیازهای متقابل می تواند با شرکت در اجتماع ترکیب لذت های مادی ، معنوی و اخروی خود را بیشینه کند و گرایش های فطری لذت گرایی و مطلق گرایی خویش را ارضاء کند.

این امر بر دو مقدمه منوط است اولا فرد باید از تربیت عقلانی کافی برخوردار باشد تا با تکیه بر آن در انتخاب راه اعتدال تردید نکند. ثانیا باید ترتیبی اتخاذ کند تا حتی الامکان رفتار تمام افراد جامعه در راه اعتدال قرار گیرد، زیرا در صورت بروز دوری از اعتدال در رفتار گروهی از آنان در جامعه اختلال پدید آمده و مطلوب فرد از شرکت در جامعه پدید نمی آید.

مهمترین نقص در جامعه با توجه به اصل تفاوت های متفاضل و نیازهای متقابل ، احتمال دور شدن از عدالت اجتماعی است. چراکه همین نهاد که در پیدایش اجتماع انسانی نقش ایفا می کند در افول آن نیز موثر است ، به همین علت انسان ها خو را نیازمند نهادی می بینند که عهده دار حفظ جامعه در راه عدالت اجتماعی باشد.

بنابراین در نظریه دولت از دیدگاه قرآن عدالت اجتماعی نقش اصلی را ایفا می کند و اموری همچون امنیت، دفاع و رشد اقتصادی در جایگاه مقدمه و گاه دستاوردهای آن شمرده می شود و آیه 25 سوره حدید با عبارت« لیقوم الناس بالقسط» ناظر بر این هدف است. چراکه هدف از پیامبران اجرای قسط و عدالت در جامعه است. قسمت بعد آیه «و انزلنا الحدید فیه باس شدید» اشاره به انحصار زور مشروع به وسیله دولت دارد. این آیه ترسیم گویایی از چهره اسلام درباره تعلیم و تربیت و گسترش عدل و داد و اجرای قسط در جامعه انسانی است.

همانطور که گفته شد نظریه پردازی دولت بر مبنای مهمترین هدف زندگی اجتماعی آن است از اینرو می توان گفت از دیدگاه قرآن کریم دولت در جایگاه مهمترین نهاد اجتماعی باید در صدد رفع مهمترین نیاز جامعه یعنی عدالت بوده و فلسفه وجودیش یه این باز می گردد. بر این اساس می توان پاسخ خیلی از پرسش ها درباره دولت را پیش بینی کرد. درباره محدوده دخالت دولت در این نظریه محور اصلی چگونگی امکان برقراری عدالت است، در صورتیکه وجود برخی از فرایندهای اجتماعی، تحقق عدالت را آسان کند ، لزومی بر گسترش دولت نیست. اما اگر فقدان برخی زمینه های فردی و اجتماعی دشواری هایی را برای برقراری عدالت پدید آورد، ضرورت دولتی قدرتمند و وسیع ، منطقی به نظر می رسد.

از دیدگاه قرآن دولت مطلوب دولتی است که بتواند به طور کارآمد در اجرای عدالت کامیاب باشد و دولتی که رهبر آن ویژگی خاصی داشته باشد که از آن به امامت یاد می شود. در بیان فرق میان امامت و رسالت گفته اند وظیفه امام اجرای دستورهای الهی است در حالیکه که وظیفه پیامبر ابلاغ این دستورهاست. از اینرو مهمترین ویژگی امام در قرآن این است که اهل ظلم نبوده و خود عادل باشد.

ابزارهایی که دولت اسلامی برای اجرای عدالت بکار می گیرد باید به گونه ای باشد که در جهت ارضای بیشینه سازی رفع نیازهای مادی و معنوی و اخروی افراد جامعه یعنی نزدیک تر شدن به ویژگی اعتدال گام بردارد. یکی از وظیفه های دولت اسلامی در این جهت جمع آوری زکات است.

**نتیجه ها:**

1- با تکیه بر بنیان های قرآن کریم با پالایشی اخلاقی که انسان در سایه اعتدال پیدا می کند، زمینه لازم برای شکل گیری بازاری سالم که تامین کننده نیازهای وی است سامان می یابد اما چنین بازاری آسیب هایی در آن وجود دارد که عدالت را تهدید می کند از اینرو به دولتی نیاز است که این عنصر اساسی را تضمین کند.

2- محدود تمام ابزار ها ، استراتژی های و سیاست های دولت و نیز هدف های دیگر چون رفاه اقتصادی، امنیت اقتصادی، تعادل اقتصادی و ... که برای دولت تعیین می شود باید در سایه عدالت اجتماعی انجام شود.

3- آنچه مقاله به عهده داشت تعیین روش و منطق صحیح برای گفتمان بازار و دولت بود. مطالعه نشان داد که محوری ترین عنصر در این گفتمان عدالت اجتماعی است.

 **نقد روشی و محتوایی:**

درباره نقد روشی باید گفت که مقاله مورد نظر از چارچوب نظری برخوردار نبوده و این در حالی است که نویسنده از نظریه استخدام علامه طباطباعه تحت عنوان اصل تفاوت های متفاضل و نیازهای متقابل در بررسی مبانی انسان شناسی استفاده می کند و می توانست آنرا به عنوان مبنا و چارچوب نظری بحث خود قرار دهد.

از نظر محتوایی اشکالی که به مقاله حاضر وارد است اینکه نویسنده عناوین مقاله خود را درباره نظریه دولت عام مطرح کرده، در حالیکه ذیل این عنوان عام به کارکرد اقتصادی دولت و تعریف و توضیح رابطه دولت با اقتصاد می پردازد.

از سویی دیگر نویسنده در فضای فکری رابطه دولت با عرصه اقتصاد ، از دیگر عرصه های فرهنگی و اجتماعی غفلت کرده و برداشت خود از مبانی انسان شناسی و هدف جامعه و دولت را در این فضای فکری تعریف می کند و از اینرو تصویری ناقص از نظریه دولت در اسلام ارائه می کند، تصویری که عدالت هدف مرکزی و تنها مقصود آن تلقی می شود.

نویسنده همچنین به خوبی نتوانسته بین مبانی انسان شناسی و ضرورت عدالت که مفروضش در مقاله است رابطه منطقی برقرار کند و از نظریه استخدام که پتانسیل خوبی در این عرصه دارد کمتر بهره برده است.

نویسنده درباره محدوده دخالت دولت این چنین استدلال می کند که: «درباره محدوده دخالت دولت در این نظریه محور اصلی چگونگی امکان برقراری عدالت است، در صورتیکه وجود برخی از فرایندهای اجتماعی، تحقق عدالت را آسان کند ، لزومی بر گسترش دولت نیست. اما اگر فقدان برخی زمینه های فردی و اجتماعی دشواری هایی را برای برقراری عدالت پدید آورد، ضرورت دولتی قدرتمند و وسیع ، منطقی به نظر می رسد.» این استدلال ضعیف بوده و هیچ ملازمه منطقی بین عدم وجود مانع در مسیر تحقق عدالت و دولت کوچک و از طرفی میان وجود مانع در مسیر عدالت و ضرورت دولت وسیع و بزرگ، وجود ندارد.